

چرایی و چگونه ماندن انقلاب در گام دوم

در روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۹۷ در حالی که انقلاب اسلامی ایران چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت، رهبری معظم انقلاب با صدور بیانیه «گام دوم انقلاب» به تبیین «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» برای مردم و به ویژه جوانان پرداختند.

تأکید رهبری انقلاب در این بیانیه بر این نکته مهم که انقلاب اسلامی «با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند» در حقیقت، ترسیم دوباره جدایی خط جریان اصیل انقلاب از خط جریان مذبذب و متزلزلی است که از آغاز نهضت تا به امروز و در مقاطع مختلف همواره نظام اسلامی را با چالش‌های گوناگون در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون روبرو ساخته است، جریانی که از روز اول در «چرا بماند و چگونه بماند» در نهضت و انقلاب ماند و مانده است و اگر دیروز ماندن و چگونه ماندن خود را در تمسک به اردوگاه سوسیالیسم جستجو می‌کرد، امروز با همه وجود سنگ لیبرالیسم را به سینه می‌زند و همگان را به سوی قبله غرب فرا می‌خواند.

از این‌رو است که رهبری انقلاب در این بیانیه به صراحت اعلام می‌دارد که انقلاب اسلامی «به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است». حساسیت رهبری انقلاب نسبت به این مرزبندی تا بدانجا است که در تعامل با برخی از دولت‌های اروپایی هم دولت را موظف به رعایت مرزبندی می‌کند و می‌فرماید «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند، از ارزش‌های انقلابی و ملی خود یک گام هم عقب‌نشینی نکند». با نگاهی به سیره معنوی، علمی، سیاسی و عملی امام خامنه‌ای به خوبی می‌توان گفت که رهبری انقلاب چون امام راحل، انقلاب اسلامی را انقلاب در هم شکستن مرزهای نظام‌های کنونی جهان و ترسیم خطوط نوین و هندسه نوین با مرزهای مشخص و معین بر اساس آموزه‌های قرآن و عترت، می‌بیند و تخطی از این مرزبندی‌ها را به مثابه نقطه پایانی بر «بودن و ماندن» انقلاب و نظام اسلامی می‌داند که پس از آن جز پوسته‌ای از آن چیزی باقی نمی‌ماند، مرزهایی که با انگشت نورانی امام خمینی علیه السلام ترسیم شد و دستان مبارک امام خامنه‌ای از آن پاسداری کرد، برای دوست و دشمن به قدری روشن است که هرگاه دوستی آگاهانه و یا ناآگاهانه و یا دشمنی با دستکشی جدید به سراغ آن می‌رود، مردم از خود، واکنشی تند



و انقلابی نشان می‌دهند.

امام خمینی علیه السلام از آغاز نهضت و در دوران غربت و تنهایی خود و یارانش شجاعانه مرز بین نهضت دینی و ملی مردم با آمریکا را مشخص و پس از انقلاب نیز تا پایان حیات در عالم خاکی بر آن پافشاری کرد و یکی از اصول چرایی ماندن و چگونگی ماندن انقلاب را مبارزه بی‌امان با آمریکا خواندند و رابطه آمریکا با ایران را رابطه گرگ با میش برشمردند، نگاه و راهبردی که رهبری انقلاب از آن حراست کردند و در همین بیانیه پنجه آمریکا را پنجه گرگ خواندند و پنجه در پنجه گرگ را «گناه نابخشودنی» دانستند و فرمودند: «اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم همه مقاومت ضد استکباری تسلیم نشدن در برابر دشمن است. پس راه حل زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هر چند از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود اما منشاء آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی و داخلی القاء می‌شود».

رهبری معظم انقلاب در این بیانیه چرایی و چگونگی ماندن انقلاب را در ایمان و انگیزه‌های ملت و رهبر آسمانی آن به تصویر می‌کشد که به عنوان مؤلفه محوری در مانایی انقلاب در چهل سال گذشته و گام اول در توطئه‌ها یاد می‌کند و می‌فرماید: «اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده امام عظیم‌الشان، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خیانت امکان‌پذیر نمی‌شد». رهبری معظم انقلاب در مخاطب قرار دادن جوانان و در بیان دستاوردهای عظیم انقلاب به ویژه در گسترش انقلاب اسلامی در غرب آسیا و جهان اسلام، در حقیقت، علت فلسفه چرا و چگونه ماندن انقلاب در گام دوم را تشریح می‌کند، که ریشه در پیوند خوردن میلیون‌ها انسان از خاک رسته به خدا پیوسته با انقلاب دارد، ریشه در پیوند نهضت‌هایی در منطقه و در اقصی نقاط دنیا دارد که امروز موجودیت آنان با موجودیت انقلاب گره خورده است و برافراشتن پرچم قیام آنان به برافراشته ماندن انقلاب عاشورایی در ایران اسلامی پیوند دارد. فرمایشات رهبری انقلاب در بیانیه گام دوم و آن‌جا که معظم‌له از پایان دادن نظام اسلامی به نظام پلید پهلوی و سلطه نظام سلطه سخن به میان می‌آورند و در چهل سال گذشته دو قطب بزرگ دنیا را به چالش کشاند مرگ یکی را تماشا کرد و به تعبیر رهبری انقلاب نظاره‌گر محتضر دیگری است. چرایی ماندگاری، نظامی است که امروز الگو و قطب سومی در جهان است و رهبری از آن چنین تعبیر می‌کند: «چهارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود».

الگویی که باید بماند و به سوی «فتح قله‌های علم» و «عبور از مرزهای کنونی دانش» و ... حرکت کند و به سوی آفتاب ظهور حرکت کند، این‌جاست که رهبری جوانان را خطاب می‌کند و امیدوارانه پرچم را به این سربازان جوان خود می‌سپارد و می‌نویسد: «دهه‌های آینده، دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید. آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید است ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است

نزدیک کنید».

بیانیه «گام دوم انقلاب» تنها سخن از راه‌های ماندگار و چرایی ماندگاری انقلاب اسلامی نیست، پنجره‌های گشوده شده، به روی رهروان گام دوم در «چگونه ماندن» است.

روح بیانیه گام دوم رهبری انقلاب مؤلفه‌های «چگونه ماندن» است. این که در گام دوم باید مواظب «راه‌نمان فکر و عقیده» بود و «از تجربه‌ها درس گرفت» و درباره گذشته و حال «حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید».

این که استقلال و آزادی «هر دو عطیه الهی به انسان‌هایند» و در پاسداری از این دو عطیه الهی «استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود».

رهبری انقلاب در «چگونگی ماندن» انقلاب اسلامی عدالت و مبارزه با فساد را «لازم و ملزوم یکدیگر» می‌خوانند و فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی را «توده چرکین کشورها و نظام‌ها» می‌نامد که اگر در بدنه حکومتی عارض شود «زلزله ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها» می‌خواند و خواهان رسیدگی به این امر توسط «دستگاهی کارآمد» می‌شود.

رهبری انقلاب در این بیانیه و در جای جای آن به ظرفیت‌های بی‌نظیر ایران اسلامی به ویژه ظرفیت انسانی در طی کردن گام دوم اشاره می‌کند و در بیان دستاوردهای گام اول می‌فرماید: «جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید» رهبری راه برون‌رفت از چالش‌های فراروی نظام را باز همین «مدیریت جهادی» «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» و «راه‌حل‌های در داخل» می‌خواند از امید سخن می‌گوید و چشم امید در طی گام دوم را «جوانان» می‌داند و در ترسیم خطوط و مرزهای انقلاب برای گام دوم باز بر انقلابی‌گری تأکید می‌کند و می‌فرماید: «میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند».

و باز در فرازهای پایانی بیانیه به سراغ پنجه گرگ و دستان دراز به سوی او می‌رود و می‌نویسد: «در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت».

امروز بیانیه «گام دوم انقلاب» به عنوان منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» در دستان جوانانی است که می‌روند چگونگی بودن و ماندن انقلاب تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی را با همین بیانیه عملی سازند و با غلبه بر چالش‌های بیرونی و درونی، جریان مذبذب و متزلزل در درون کشور و نظام که زندگی به هر قیمتی را بر آرمان‌های بلند امام و شهدا ترجیح می‌دهند به چالش بکشاند چرا که به خوبی می‌دانند این جریان با رفتار ادبیات منفعلانه در برابر غرب، قطار انقلاب را از ریل اصلی آن خارج می‌سازد و به سوی ایستگاهی می‌برد که آرزوی نظام سلطه در گام اول بوده است. امروز مردم و به ویژه جوانان مؤمن و انقلابی به خوبی می‌دانند تنها حرکت به سوی «افق ظهور» را فقط با عمل به بیانیه گام دوم ادامه داد و می‌توان به سعادت دنیا و آخرت رسید نه با تابلو راهنماهای کسانی که انتهای نگاهشان «سراب غرب» است.